خبر

رئیس جمهور:

اجازه سوءاستفاده از شرایط جنگی و فشار بر معیشت مردم را نخواهیم داد

نشست تخصصی «بررسی الگوی مشارکت اصناف در فرآیند تولید، توزیع و تنظیم بازار با هدف کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری و ارتقای اثربخشی شبکه تأمین کالا» به ریاست دکتر مسعود پزشکیان و با حضور وزیر و معاونان وزارت صنعت، معدن و تجارت، رئیس اتاق اصناف ایران، رئیس اتاق اصناف تهران و رئیس هیات امنای بازار برگزار شد. دکتر پزشکیان با تأکید بر ضرورت تشدید نظارت بر زنجیره تأمین و توزیع کالا اظهار داشت: برای جلوگیری از احتکار، اخلال در شبکه توزیع و افزایش بی‌ضابطه قیمت‌ها در شرایط جنگی، باید همه حلقه‌های زنجیره از تولید تا مصرف به‌صورت دقیق، هوشمند و مستمر تحت رصد و نظارت قرار گیرد.

رئیس جمهور همچنین نسبت به سوءاستفاده برخی افراد و جریان‌ها از شرایط حساس کشور هشدار داد و تصریح کرد: دولت بنا ندارد برای فعالیت اقتصادی سالم محدودیت ایجاد کند، اما در مقابل نیز اجازه نخواهد داد عده‌ای با سوءاستفاده از شرایط جنگی، معیشت مردم را هدف قرار دهند، اخلال اقتصادی ایجاد کنند و با اقدامات غیرقانونی به دنبال کسب منافع نامشروع باشند.

رئیس مجلس شورای اسلامی:

دشمن را شگفت‌زده خواهیم کرد

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی در پیامی که در صفحه خود در شبکه ایکس منتشر کرد، گفت: نیروهای مسلح ما آماده پاسخگویی درس‌آموز به هر تجاوزی هستند؛ استراتژی اشتباه و تصمیم‌های اشتباه، همیشه نتیجه اشتباه خواهد داشت، همه دنیا قبلا این را فهمیده‌اند. قالیباف در ادامه این پست آورده است: ما برای تمام گزینه‌ها آماده هستیم؛ شگفت‌زده خواهند شد.

رسیدگی به اینترنت پرو در عدلیه

حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی اژه‌ای در نشست بررسی وضعیت اینترنت پرو و خط سفید با اشاره به گزارش دادستان کل کشور و وزیر ارتباطات مبنی بر احراز تخلف در قضیه موسوم به خط‌های سفید و اینترنت پرو افزود: در قوه قضاییه پاسدار حقوق عامه مردم هستیم و به هیچ وجه اجازه نخواهیم داد این احساس در مردم ایجاد شود که در جامعه، تبعیض حکمفرماست. رئیس قوه قضاییه اظهار کرد: موضوع موسوم به خط‌های سفید و اینترنت پرو، باید به صورت کامل و جامع تعیین تکلیف و برای مردم شفاف‌سازی شود و چنانچه در این عرصه، تخلف و جرمی حادث شده که وفق گزارش دستگاه‌ها در این جلسه، احراز تخلف در آن قطعی است، باید جلوی آن گرفته شده و با متخلفان، به حسبه و مبتنی بر قانون برخورد شود.

محسنی اژه‌ای گفت: اکنون در شرایط جنگی به سر می‌بریم و سرمایه اصلی ما در این نبرد سرنوشت‌ساز، مردمان گرانقدر و وطن‌دوست و ولایتمدارمان هستند؛ نباید اجازه دهیم این سرمایه‌های اصلی دچار بدبینی و بی‌اعتمادی شوند؛ اکنون شرایط به گونه‌ای نیست که بخواهیم فی‌المثل بالغ بر ۵ ماه برای تعیین تکلیف یک موضوع صبر کنیم؛ مردم از ما شفاف‌سازی و تبیین‌گری و احیای حقوق عامه را می‌خواهند و ما به این مطالبه مردم، باید لبیک بگوییم.

دادخواهی ایران علیه آمریکا در لاهه

دولت جمهوری اسلامی ایران با طرح دعوی در دیوان داوری لاهه، از آمریکا به‌دلیل «تجاوز نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران»، «اعمال تحریم‌های اقتصادی» و «تهدید به توسل به زور» شکایت کرد. این دادخواست براساس مفاد بیانیه‌های ۱۹۸۱ الجزایر و به دلیل نقض تعهدات بین‌المللی آمریکا در جنگ ۱۲ روزه علیه ایران، اسفندماه سال ۱۴۰۴ در دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا ثبت شده است. جمهوری اسلامی ایران در دادخواست خود که تحت عنوان پرونده الف- ۳۴ در دیوان داوری به ثبت رسیده، با استناد به بند اول بیانیه الجزایر، ضمن تبیین و تشریح مصادیق نقض تعهد آمریکا در جریان جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و همچنین اعمال تحریم‌های اقتصادی و تهدید توسل به زور، از دیوان درخواست کرده، آمریکا را به نقض بند اول بیانیه محکوم و آن دولت را ملزم کند فورا به مداخلات مستقیم و غیرمستقیم خود در امور داخلی ایران پایان دهد و ضمن ارائه تضمین عدم تکرار اعمال متخلفانه مزبور، خسارات وارده به ایران را نیز به‌طور کامل جبران کند. گفتنی است براساس بند اول بیانیه الجزایر، دولت آمریکا متعهد شده که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، سیاسی یا نظامی، در امور داخلی ایران مداخله نکند.

لفاظی توهین آمیز ترامپ محصول شکست در برابر ایران است

آرامش در هرمز؛ آشفتگی در واشنگتن



مهدی سیف‌تبریزی
گروه سیاسی

اظهارات دوشنبه‌شب دونالد ترامپ در باغ رز کاخ سفید بیش از هر زمان دیگری بوی استیصال و آشفتگی می‌داد. رئیس‌جمهور آمریکا که پس از دریافت طرح ایران برای پایان جنگ، انتظار نوعی عقب‌نشینی یا نرمش از سوی تهران را داشت، در مجموعه‌ای از مواضع متناقض و عصبی، پاسخ ایران را «مزخرف» توصیف کرد و مدعی شد حتی آن را نخوانده و به سطل زباله انداخته است. ترامپ در گفت‌وگو با خبرنگاران و همچنین در مصاحبه تلویزیونی خود، بار دیگر ایران را به اقدام نظامی تهدید کرد و در عین حال مدعی شد آتش‌بس در شکننده‌ترین وضعیت ممکن قرار دارد. او همزمان در ادعایی متناقض از تماس برخی مقامات ایرانی با طرف آمریکایی سخن گفت؛ ادعایی که بیش از آن‌که نشانه برتری واشنگتن باشد، نشانه تلاش کاخ سفید برای ساختن یک تصویر روانی از تسلط آمریکا بر روند تحولات بود.

این حجم از پرخاشگری لفظی، تهدیدهای تکراری و ادعاهای ضدونقیض در شرایطی مطرح می‌شود که پاسخ ایران به طرح آمریکا نه‌تنها حاوی عقب‌نشینی نبود، بلکه بر اصول غیرقابل تغییر تهران در پرونده پایان جنگ تأکید داشت؛ اصولی که شامل حفظ حاکمیت کامل ایران بر تنگه هرمز، رد هرگونه تحمیل درباره ذخایر اورانیوم، رفع تحریم‌ها، آزادی دارایی‌های بلوکه‌شده، پرداخت غرامت جنگ و همچنین شمول هرگونه توافق بر محور مقاومت و لبنان می‌شود. همین مسأله اکنون واشنگتن را با واقعیتی تلخ روبه‌رو کرده است: آمریکا نه در میدان جنگ به اهداف خود رسید و نه در صحنه دیپلماسی توانسته ایران را وادار به پذیرش شروط خود کند.

جنگ روانی جایگزین دستاورد می‌شود

رفتار ترامپ در روزهای اخیر را نمی‌توان صرفا به تندخویی شخصی یا ادبیات همیشگی او تقلیل داد. آنچه اکنون در مواضع کاخ سفید دیده می‌شود، بازتاب مستقیم شکست راهبردی آمریکا در برابر ایران است. واشنگتن تصور می‌کرد مجموعه‌ای از فشارهای نظامی، تهدیدهای رسانه‌ای، جنگ روانی و تحرکات دریایی می‌تواند تهران را به پذیرش نظم مطلوب آمریکا وادار کند اما اکنون نه‌تنها چنین هدفی محقق نشده، بلکه ایران با اتکا به برتری میدانی و مقاومت سیاسی، قواعد پایان جنگ را نیز خود تعیین می‌کند.

ترامپ هنوز می‌کوشد تا این شکست را پنهان کند. به همین دلیل در یک جمله از «نخواندن پاسخ ایران» سخن می‌گوید و در جمله‌ای دیگر از شکننده بودن آتش‌بس ابراز نگرانی می‌کند. اگر پاسخ ایران بی‌اهمیت و بی‌ارزش بود، این حجم از عصبانیت و تهدید چه معنایی داشت؟ واقعیت آن است که کاخ سفید اکنون با شکستی روبه‌رو شده که نه می‌تواند بپذیرد و نه قادر است تغییر دهد.

آمریکا در محاسبات اولیه خود تصور می‌کرد ایران در برابر فشار همزمان اقتصادی، نظامی و روانی دچار فرسایش خواهد شد اما روند تحولات دقیقا در جهت معکوس حرکت کرد. ایران نه‌تنها از خطوط قرمز خود عقب ننشست، بلکه با انتقال تدریجی میدان تقابل از حوزه نظامی به حوزه سیاسی و دیپلماتیک، عملا آمریکا را در موقعیت دفاعی قرار داد. اکنون واشنگتن ناچار است درباره پایان جنگ مذاکره کند، در حالی که تهران از موضع قدرت درباره شروط پایان آن سخن می‌گوید.

رئیس جمهور آمریکا به خوبی می‌داند که تصویر شکست ناپذیری واشنگتن آسیب دیده است. او تلاش می‌کند با تهدیدهای پی‌درپی، ادبیات خشن و ادعاهای رسانه‌ای این تصور را ایجاد کند که آمریکا هنوز دست بالا را دارد اما واقعیت میدانی خلاف این را نشان می‌دهد. هر بار که ترامپ از حمله نظامی سخن می‌گوید، درواقع ناتوانی آمریکا در تغییر معادله موجود را فریاد می‌زند.

تهران و تعیین قواعد پایان جنگ

آنچه بیش از همه واشنگتن را نگران کرده، نه صرفا مقاومت ایران، بلکه توانایی تهران در تبدیل مقاومت به «قدرت تعیین‌کنندگی» است. ایران اکنون فقط در حال دفاع از خود نیست؛ بلکه در حال تعیین چارچوب پایان جنگ است.

تهران معتقد است هرگونه پایان واقعی جنگ باید شامل رفع محاصره اقتصادی، لغو تحریم‌ها، آزادی دارایی‌های بلوکه‌شده، پذیرش حقوق هسته‌ای ایران و توقف فشار بر محور مقاومت باشد. این یعنی ایران پایان جنگ را نه از زاویه تاکتیکی، بلکه از منظر بازتعریف موازنه قدرت منطقه‌ای دنبال می‌کند.

همین مسأله باعث شده آمریکا با بحران پیچیده‌ای روبه‌رو شود. واشنگتن می‌خواست از طریق فشار نظامی، ایران را به پذیرش نظم آمریکایی در منطقه وادار کند اما اکنون خود ناچار به گفت‌وگو درباره خواسته‌های ایران است. به عبارت دیگر، آمریکا نه‌تنها موفق به تحمیل اراده خود نشد، بلکه در حال مواجهه با شرایطی است که تهران شروط جدیدی را برای نظم امنیتی منطقه مطرح می‌کند.

اصرار ایران بر حفظ کنترل کامل بر تنگه هرمز نیز در همین چارچوب معنا پیدا می‌کند. تهران آشکارا اعلام کرد هرگونه تعرض یا ایجاد مزاحمت برای منافع ایران با پاسخ مستقیم علیه شناورها و مراکز نظامی آمریکایی در منطقه مواجه خواهد شد. پس از این هشدارها، سطح تحرکات تحریک‌آمیز آمریکا در منطقه به شکل محسوسی کاهش یافت و آرامشی معنادار در تنگه هرمز شکل گرفت.

در واقع ایران موفق شد این پیام را به واشنگتن منتقل کند که دوران تهدید یکجانبه به پایان رسیده است. آمریکا اکنون با کشوری مواجه است که نه از جنگ هراس دارد و نه تحت تأثیر جنگ روانی قرار می‌گیرد. همین مسأله سبب شده تاکتیک‌های سنتی واشنگتن کارایی خود را از دست بدهد.

نکته مهم دیگر آن است که ایران در تمام مراحل اخیر، با وجود موضع قاطع خود، مسیر دیپلماسی را نیز باز نگه داشته است. تهران چندین بار طرح‌های تعدیل‌شده برای پایان جنگ را مورد بررسی قرار داده و از مسیرهای میانجی‌گرانه به تبادل پیام پرداخته است.

این همان مسأله‌ای است که آمریکا را دچار بحران کرده؛ چرا که واشنگتن عادت داشت طرف‌های مقابل خود را ابتدا تحت فشار قرار دهد و سپس از موضع برتر وارد مذاکره شود اما اکنون برای نخستین بار در برابر ایرانی قرار گرفته که هم در میدان مقاومت کرده و هم در عرصه سیاسی ابتکار عمل را در اختیار گرفته است.

شکست ژئوپلیتیکی واشنگتن؛ از تهران تا پکن

پیامدهای شکست آمریکا در برابر ایران، بسیار فراتر از خلیج‌فارس خواهد بود. این شکست اکنون به یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف ژئوپلیتیکی واشنگتن در آستانه رقابت بزرگ‌تر با چین تبدیل شده است. ترامپ در شرایطی آماده سفر به پکن می‌شود که آمریکا نتوانسته بحران ایران را به سود خود مدیریت کند و همین مسأله موقعیت واشنگتن را در برابر رقیب چینی به شدت تضعیف کرده است. چین با دقت تحولات اخیر را دنبال می‌کند و به خوبی دریافته که آمریکا با وجود قدرت نظامی گسترده، در تحمیل اراده خود به ایران ناکام مانده است. این مسأله برای پکن نشانه‌ای از فرسایش قدرت هژمونیک آمریکاست. چین اکنون مشاهده می‌کند که واشنگتن حتی در منطقه‌ای که دهه‌ها آن را حوزه نفوذ سنتی خود می‌دانست، دیگر قادر به اعمال اراده قاطع نیست.

از سوی دیگر، مقاومت ایران عملا بخشی از توان و تمرکز راهبردی آمریکا را در حساس‌ترین مقطع رقابت با چین فرسوده کرده است. واشنگتن مجبور شد ظرفیت قابل توجهی از منابع نظامی، امنیتی و سیاسی خود را در خاورمیانه درگیر کند، در حالی که اولویت اصلی آمریکا مهار چین در شرق آسیاست. همین مسأله اکنون به یک شکست ژئوپلیتیکی برای کاخ سفید تبدیل شده است.

پکن همچنین به این جمع‌بندی رسیده که ایران برخلاف متحدان سنتی آمریکا در منطقه، توان ایستادگی در برابر فشار حداکثری را دارد. این مسأله جایگاه ایران را در محاسبات راهبردی چین ارتقا داده است. برای چینی‌ها، شراکت با ایرانی که توانسته آمریکا را در خلیج‌فارس متوقف کند، ارزشی بسیار فراتر از همکاری اقتصادی صرف دارد. در چنین شرایطی، ترامپ نه‌تنها در برابر ایران، بلکه در برابر چین نیز در موقعیت ضعف قرار گرفته است.

به همین دلیل است که عصبانیت و آشفتگی ترامپ را باید فراتر از یک واکنش شخصی تحلیل کرد. آنچه امروز در مواضع کاخ سفید دیده می‌شود، بازتاب یک شکست بزرگ‌تر است؛ شکستی که از تنگه هرمز آغاز شد اما آثار آن تا رقابت راهبردی آمریکا و چین امتداد پیدا کرده است.

یادداشت

اسماعیل کوثری | عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس

آمریکا در پایان بازی ایران در اوج آمادگی

در خصوص وضعیت جاری و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی باید بر این نکته تاکید کرد که بازی‌های سیاسی و فشارهای آمریکا به پایان خود نزدیک شده است. این روند نشان‌دهنده عدم تمایل و توانایی آمریکا برای ادامه مسیرهای امروزی در مذاکرات و گفت‌وگوهای معنادار است و به‌نظر می‌رسد در آینده قریب‌الوقوع، شاهد شکستن این روند و تحولات جدیدی در عرصه سیاست منطقه‌ای و جهانی باشیم.

در چنین شرایطی، گزینه مواجهه و اتخاذ رویکردهای مقتدرانه، به‌عنوان راهکار اصلی و منطقی پیش رو قرار دارد. ایران باید توانمندی و آمادگی لازم را در مواجهه با این وضعیت حفظ و تقویت کند. بر این اساس لازم است در حوزه‌های مختلف، از جمله مدیریت ظرفیت‌های منطقه، حفظ امنیت تنگه هرمز و دفاع از منافع ملی با قاطعیت عمل کنیم.

در کنار این فعالیت‌ها، باید دیپلماسی فعال و هوشمندانه‌ای را در دستور کار قرار داد. اطلاع‌رسانی هوشمند و روشنگری به کشورهای مهم و مؤثر جهان- به‌ویژه در موضوع نقش آمریکا در مشکلات بحران‌های انرژی در منطقه- از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. باید ثابت کنیم عامل اصلی این مشکلات، خود آمریکایی‌ها و رژیم اشغالگر است؛ همان‌گونه که در دوره‌های پیشین این بازیگرها در زمان جنگ‌های قبل از رمضان و جنگ سوم، نقش مستقیم در برهم زدن ثبات منطقه ایفا کرده‌اند.

با اتکا به تجارب و راهبردهای گذشته، ایران طی حدود ۴۶-۴۷ سال، علاوه بر تحمل تحریم‌های اقتصادی و محاصره، روش‌ها و سیاست‌های مؤثری را در تامین نیازهای داخلی و مدیریت اقتصاد مقاومتی توسعه داده است. مردم بزرگوارمان با صبر، استقامت و وحدت در شب‌های سخت اخیر نشان داده‌اند نظام و کشور در مقابل فشارهای استکباری ایستاده و هرگز زیر بار زور نمی‌روند. هم‌اکنون این همبستگی و اتحاد باید حفظ و تقویت گردد.

در این مسیر لازم است کشورمان در مقابل سیاست و اقدامات آمریکایی‌ها بایستد؛ و به‌ویژه با توجه به عملکرد و رویکرد رئیس جمهور قمارباز آنان، تمامی فعالیت‌های لازم برای جلوگیری از تشدید تنش و درگیری در منطقه انجام پذیرد. وظیفه و مسئولیت ما در میدان و در فضای دیپلماسی، روشن‌سازی و پیگیری موضوعات مرتبط، با اقتدار و صلابت است.

همچنین باید بر این نکته تاکید کرد که تحولات جاری در عرصه جهانی، در نتیجه اقدامات اخیر دولت چین و سایر بازیگران اثرگذار، نشانگر تغییر در موازنه‌های جهانی است. پیروزی‌های ایران و قدرتی که از مقاومت و ایستادگی خود کسب کرده، مسیر مناسبات جهانی را تغییر داده و آمریکا تحت تاثیر قرار گرفته است. این محاسبات جدید نشان‌دهنده قدرت و توانمندی ایران است که نه برای سلطه‌جویی بلکه برای نشان دادن عزم و اقتدار ملی و اثرگذاری بر صحنه بین‌المللی است. این موفقیت ضربه‌ای سخت بر اهداف و نقشه‌های کثیف دولت‌ها و سیاست‌های تداوم‌طلب آمریکاست.

در پایان باید گفت تنگه هرمز اکنون تحت مدیریت و کنترل سیاست‌ها و اقدامات ملی ایران قرار دارد. اجرای این سیاست‌ها- به‌ویژه توسط نیروی دریایی سپاه و وزارت امور خارجه- به‌زودی و در قالب اقدامات قانونی و رسمی، به اطلاع و بهره‌برداری نهایی خواهد رسید.

یادداشت

حسام‌الدین برومند | کارشناس مسائل بین‌الملل

سه گام راهبردی برای تولید قدرت در پازل جنگ

برای جنگ باید «محاسبه» داشت. این گام اول در قاعده جنگ و رویارویی با دشمن متجاوز است اما در ادامه و در دل جنگ باید «معادله» برقرار کرد و در تکمیل پازل جنگ، باید «موازنه» ساخت. به عبارت روشن‌تر، «جنگ محاسبات»، خلق «معادلات قدرت‌ساز» و ایجاد «موازنه قدرت»، یک مثلث راهبردی است که دشمن را زمینگیر و نقشه‌های او را نقش بر آب می‌کند.

از جنگ ۱۲ روزه تا جنگ سوم تحمیلی که در آن هستیم؛ ایران در «جنگ محاسبات» و خلق «معادلات قدرت‌ساز» در یک سال گذشته موفق عمل کرده است. اکنون ضلع سوم این پازل را باید عملی کرد: «موازنه قدرت».

ایران در جنگ محاسبات، شناخت درستی از توانایی دشمن و خودش در میدان داشت و همه فهمیدند که قدرت موشکی ما قابل انکار نیست و این قدرت، صددرصد ایرانی است و اجاره‌ای یا اجازه‌ای نیست.

اما در جنگ اخیر، ایران دست به خلق معادلات جدید قدرت‌ساز زد. از یک سو معادله جنگ منطقه‌ای را در میدان اجرایی کرد و از سوی دیگر، تنگه هرمز را تحت اختیار و مدیریت خود قرار داد. دشمن از یک‌سو باور نمی‌کرد تمام منطقه زیر ضرب قدرت آتش ایران برود و از سوی دیگر، فکر نمی‌کرد ایران عبور از تنگه هرمز را آنچنان مدیریت کند که هیچ قدرتی نتواند آن را به حالت قبل از جنگ برگرداند.

اکنون پس از دست بالا در جنگ محاسبات و خلق معادلات قدرت‌ساز، باید موازنه قدرت ساخت تا از پیروزی‌ها و سلحشوری‌های ایران در میدان جنگ، دستاورد بزرگ در صحنه قدرت سیاسی و بین‌المللی به‌دست آورد.

موازنه قدرت (Balance of Power) یعنی چند کشور با همدیگر ائتلافی را شکل دهند تا نگذارند یک قدرت مدعی هژمون بر آنها فائق آید. امروز ایران باید ائتلاف خود را با کشورهایی مثل چین و روسیه تقویت کند، عمق ببخشد و این ائتلاف را به صحنه‌های اقتصادی توسعه دهد. زیرساخت این ائتلاف می‌تواند قراردادهای راهبردی دفاعی، سیاسی و اقتصادی باشد؛ ضمن این‌که همه موانع اجرا نیز از سر راه برداشته شود. جنگ، تا اطلاع ثانوی در ابعاد و فازهای مختلف ادامه خواهد داشت و ایران باید به گونه‌ای عمل کند که نهایتا در نظم آینده جهانی، جانمایی قدرتمندی داشته باشد و این شدنی است.

یادداشت

احمد میراحسان | نویسنده و پژوهشگر

پرسش گروسی

پرسش گروسی، سوال از چرایی نحوه مماشات و رفتار جمهوری اسلامی و نهادهای مرتبط ایران با اوست، این پرسش برای ملت ایران امری جدی است. چرا در برابر این مقام مبتذل، قانون‌شکن، غیرقابل اعتماد دارای اسناد مسجل خیانت در امانت و همدستی آشکار با دشمنان و تجاوز از حد خود، حکومت ایران روشی عزتمند در پیش نمی‌گیرد و چنین دست‌بسته رفتار می‌کند؟ این امری محرمانه نیست و در کشوری با ملتی چون ایران دولت موظف است توضیح دهد، واکنش ما برابر قانون‌شکنی‌های رئیس ناشایسته و ناصالح آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نقض عهد رئیس و معاهده NPT چه بوده است؟

نخست آن‌که با همه رفتارهای غیرقانونی آژانس علیه ما و سرکشی اسرائیل در تحت نظارت در آوردن کاربرد تظاهر دانش هسته‌ای و تولید بمب اتمش، چرا ما باید به معاهده وفادار باشیم و اجازه جاسوسی به آژانس و گروسی بدهیم. باید به ملت گزارش داد آن مصلحت و سیاست مفید برای ملت ایران چیست که چنین امتیاز بزرگی به دشمن می‌دهد و خود بهره‌ای نمی‌برد. حالا که به ما حمله کرده‌اند و همه قوانین بین‌المللی را زیر پا نهاده‌اند و نهاد بین‌المللی کاملا به زیان منافع ما عمل می‌کند، ماندن در آن سودش چیست؟ این پرسش‌ها حتما و یقینا نیاز به توضیح قانع‌کننده، صادقانه و روشن دارد.

ما طبق تعهدات عمل کرده‌ایم و آنان نکرده‌اند. عقل و شرع و قانون و عرف و افکار عمومی چه می‌گویند؟ چه باید کرد؟ همان کار را بکنیم.

اهداف سیاسی و امنیتی دلخواه نظام جائر سلطه و منافع شیطان بزرگ بر آژانس حاکم است و آمریکا با ما در جنگ است و به دلخواه خود عمل می‌کند. این ضد ضروریات امنیتی و حقوق هسته‌ای ماست، تکلیف ما چیست؟

ما طبق معاهده NPT عمل کرده‌ایم و یک قدم هم خطا نکرده‌ایم. دانشمندان و نخبگان مدیریت فعالیت قانونی و صلح‌آمیز و مطابق معاهده و پژوهشگران هسته‌ای ما ترور شده‌اند؛ در حالی که فرآیند غنی‌سازی‌مان بخشی از برنامه پژوهشی است که طبق قانون غنی‌سازی، تحت پادمان بوده و هرگز به سمت اهداف تسلیحاتی گرایش نشان نداده و اقدامی مشروع و بدون منع بوده است و طبق قانون و معاهده در این حالت هیچ منعی برای میزان و مقدار غنی‌سازی قانونا وجود ندارد. پس این فضولی‌های قلدرانه آمریکا معنایش چیست؟

ما حق داریم و باید از چنین معاهده که قدرت قلدرانه‌ای آن را مصادره به مطلوب کرده، خارج شویم. ما هرگز و طبق هیچ اماره قانونی و قضایی و هیچ سندی به سمت اهداف تسلیحاتی منحرف نشده‌ایم و معنا ندارد وقتی آژانس در جهت اغراض زورگویانه ابزار فشار بر ماست، همچنان به آویختگی بر آن ادامه دادن معنایش چیست؟ زمانی طی یادداشتی تذکر دادم: موضوع نوع برخورد ما و هر مدعی بندگی خدا و نه شیطان و نفس متفرعن به نهادهای قدرت یعنی برخورد از سر ضعف یا اقتدار بستگی به این دارد که ما در چه مرتبه‌ای از اطمینان قلبی، قدرت روحی و عقل حقیقی قرار داریم، اطمینانی که محصول ذکرالله و ایمان و یاد خداست.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

یادداشت

دکتر داوود منظور | رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه

انتقام به مثابه افق

این یادداشت در پی آن است تا یکی از صریح‌ترین و در عین حال حساس‌ترین ابعاد پیام رهبر انقلاب را تحلیل کند؛ بُعدی که در آن، پایان دوره عزاداری رسمی نه به معنای خاتمه یک وضعیت، بلکه به‌عنوان آغاز مرحله‌ای جدید از مطالبه‌گری و پیگیری معرفی می‌شود. هدف این تحلیل، تبیین این نکته است که چگونه پیام رهبر انقلاب، با بازتعریف نسبت میان سوگ و آینده، عاطفه جمعی را به اراده‌ای ماندگار برای تحقق اهداف مشخص تبدیل می‌کند. در پیام رهبر انقلاب، این تغییر مرحله با عبارتی روشن بیان می‌شود: «ملت عزیز ... با پایان گرفتن مدت عزای رسمی ... جامه عزا را از تن بیرون می‌آورد». این جمله، نشان‌دهنده یک گذار است؛ گذار از یک وضعیت آیینی و عاطفی به یک وضعیت فعال و جهت‌دار. اما نکته کلیدی اینجاست که این پایان، به‌معنای فراموشی یا فروکش کردن احساسات نیست.

بلافاصله پس از این بیان، جهت‌گیری جدید مشخص می‌شود: «اما عزم قاطع بر انتقام خون پاک ایشان... را در روح و قلب خود زنده نگه می‌دارد». این عبارت، هسته اصلی این بخش از پیام رهبر انقلاب را تشکیل می‌دهد. در اینجا، «انتقام» نه به‌عنوان یک واکنش لحظه‌ای، بلکه به‌عنوان «عزمی» پایدار و درونی تعریف می‌شود؛ عزمی که باید در طول زمان حفظ شود و به فراموشی سپرده نشود.

در ادامه، این معنا با تأکید بیشتری تثبیت می‌شود: «پیوسته مترصد تحقق آن خواهد بود». این جمله، نشان‌دهنده یک وضعیت دائمی از آمادگی است. در این چارچوب، جامعه نه‌تنها احساس خود را حفظ می‌کند، بلکه آن را به یک انتظار فعال تبدیل می‌نماید. این انتظار، صرفا ذهنی نیست، بلکه به معنای آمادگی برای اقدام در زمان مناسب است.

از منظر تحلیل محتوا، پیام رهبر انقلاب در این بخش، یک تغییر مهم در کارکرد عاطفه جمعی ایجاد می‌کند. اگر در مراحل پیشین، سوگ به حماسه تبدیل شده بود، در اینجا، همان حماسه به «مطالبه» تبدیل می‌شود. به بیان دیگر، مسیر به این شکل ترسیم می‌شود: فقدان، سوگ، حماسه و در نهایت، پیگیری هدف. این پیوستار اجازه نمی‌دهد انرژی عاطفی جامعه پراکنده یا فراموش شود، بلکه آن را در یک مسیر مشخص هدایت می‌کند.

نکته قابل توجه دیگر، گستره این مطالبه است. در پیام رهبر انقلاب، این عزم تنها به یک فرد یا یک حادثه محدود نمی‌شود، بلکه شامل «همه شهدای جنگ تحمیلی دوم و سوم» نیز می‌گردد.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید